مرگ ساختگی برای فرار از دست طلبکاران

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ مدیر شرکت واردات موتورسیکلت که ورشکسته شده بود، سناریوی مرگ قلابی خود را طراحی کرد.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل مرد جوانی در تماس با پلیس گفت یکی از بستگانمان به نام بهزاد که مدیر یک شرکت واردات موتورسیکلت در یکی از شهرستان‌ها بود مدتی قبل فوت کرد. می‌گفتند شرکتش ورشکسته شده و او هم در دریا غرق شده است. من در مراسم ترحیمش شرکت داشتم اما امروز او را در تهران دیدم. ابتدا تصور کردم که شخص دیگری است و شباهت زیادی به او دارد اما خوب که دقت کردم خود بهزاد بود چون پای راستش هم کمی لنگ می‌زد از دیدنش شوکه شدم و مطمئنم زنده است.

به دنبال این تماس بود که کارآگاهان پلیس تهران با استعلام از پلیس شهرستان مورد نظر دریافتند بهزاد به اتهام کلاهبرداری تحت تعقیب بوده و به گفته دوستانش در دریا غرق شده است. در ادامه مشخص شد محلی که وی دیده شده در نزدیکی خانه مادرش بوده است بدین ترتیب مأموران پس از هماهنگی‌های لازم راهی خانه مورد نظر شدند و بهزاد را که با هویت جعلی (با نام کاوه) در آنجا زندگی می‌کرد دستگیر کردند.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که کاوه، همان بهزاد متهم تحت تعقیب است. با توجه به اینکه پرونده بهزاد در شهرستان دیگری مورد رسیدگی بود به دستور بازپرس پرونده، قرار عدم صلاحیت صادر شد و متهم برای رسیدگی به جرایمش به شهرستان مورد نظر منتقل شد.

زندگی با هویت جعلی

مرد جوان درباره اینکه چرا سناریوی مرگ خودش را اجرا کرده گفت: «من کلاهبرداری نکردم، بلکه ورشکسته شدم و ناخواسته در ماجرایی قرار گرفتم که مجبور شدم چنین سناریویی را طراحی کنم. وگرنه چه کسی حاضر می‌شود که خودش را مرده جا بزند و با هویتی جعلی زندگی جدیدی برای خودش دست و پا کند آن هم دور از خانواده‌اش.»

چه شد که ورشکسته شدی؟

من قبلاً در کار واردات موتورسیکلت بودم و به‌موقع هم سفارشات را تحویل می‌دادم اما در این چند ماه گذشته، به خاطر برخی مشکلات که هیچ ربطی به من نداشت کالاها به دستم نرسید و انباری که موتورسیکلت‌هایم داخل آن بود آتش گرفت. به طوری که یک شبه تمام سرمایه‌ام خاکستر شد. از طرفی موعد تحویل موتورسیکلت‌ها به مشتری‌ها بود.

چه شد که این ایده به ذهنت رسید؟

قبلاً فیلمی دیده بودم که یک نفر خودش را به مردن زد تا از دست طلبکارهایش فرار کند من هم تصمیم گرفتم این کار را انجام دهم.

چطور توانستی صحنه‌سازی کنی که باورشان شود مرده‌ای؟

خیلی تمرین کردم که زمان زیادی زیر آب بمانم. قسمتی از ساحل که صخره داشت را پیدا کردم و با دوستانم راهی آنجا شدیم. به دوستانم گفتم می‌خواهم شنا کنم و آنها گفتند دریا طوفانی است و این کار را نکن. بعد هم وارد آب شده و از آنها فاصله گرفتم بعد هم وانمود کردم در حال غرق شدنم این درحالی بود که آن طرف صخره، همسرم منتظر بود و زیرآبی خودم را به آن طرف صخره رساندم و فرار کردم. دوستانم هم وقتی دیدند برنگشتم به تصور اینکه غرق شده‌ام موضوع را اعلام کرده و با شهادت آنها ماجرای مرگ من تأیید شد. البته پلیس آنجا چندباری به سراغ همسرم رفته بود انگار باورشان نشده بود.

در تهران چه می‌کردی؟

با هویت جعلی به تهران رفتم خانه مادرم بعد از مرگش خالی بود و کسی به آنجا رفت و آمد نداشت، به آنجا رفتم و زندگی مخفیانه‌ام را آغاز کردم.

تا کی می‌خواستی به این ماجرا ادامه دهی؟

می‌خواستم وقتی پول مشتری‌ها را فراهم کردم به آنها پس بدهم چون من کلاهبردار نیستم و شرایط باعث شد که دست به این کارها بزنم و عذاب وجدان لحظه‌ای مرا رها نکرده است.

دادگاه کیفری

متهم به قتل محاکمه شد

تناقض‌گویی‌های مستأجر در ماجرای قتل صاحبخانه

گروه حوادث/ کامران علمدهی: مرد مستأجر که متهم است صاحبخانه‌اش را با شلیک گلوله به قتل رسانده، در دادگاه کیفری مدعی شد وی مزاحم همسرش بوده است.

به گزارش «ایران»، تابستان سال گذشته گزارش قتل مرد میانسالی در یکی از بوستان‌های حاشیه تهران به پلیس اعلام شد. با حضور مأموران در محل و بررسی‌های اولیه مشخص شد که مقتول مردی حدوداً ۶۰ ساله بوده که از ناحیه سر با شلیک گلوله به قتل رسیده و خودرواش هم سرقت شده است.

مأموران با بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف محل و بررسی تلفن همراه مقتول دریافتند که حدود یکساعت پیش از جنایت فردی با مقتول تماس گرفته و او را به محل کشانده است که در ادامه هویت وی شناسایی و مشخص شد وی مستأجر مقتول بوده است.

با دستگیری متهم ابتدا منکر دخالت در ماجرا شد اما وقتی در برابر مستندات قرار گرفت، لب به اعتراف گشود و مدعی شد چون مقتول مزاحم همسرش بوده او را کشته است. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص و برای سرقت خودرو هم تقاضای اشد مجازات کردند. پس از آن متهم به جایگاه رفت و با پذیرش اتهاماتش گفت: «دو سال قبل از ماجرا خانه‌ای را در طبقه دوم یک ساختمان اجاره کردیم که صاحبخانه هم در طبقه اول زندگی می‌کرد. یک سال بعد صاحبخانه از آنجا رفت اما متوجه شدم به همسرم پیامک‌های غیراخلاقی می‌دهد. با صاحبخانه تماس گرفتم و اعتراض کردم اما او انکار کرد و مدعی شد اشتباه می‌کنم و همسر من جای دخترش است.»

متهم افزود: «چند روز بعد همسرم با من تماس گرفت و گفت صاحبخانه به اینجا آمده خودت را برسان. وقتی به خانه رسیدم، دیدم او سوار خودرواش شد و رفت. همسرم هم گفت او می‌خواسته آزارش دهد. خیلی عصبانی شدم و به او تلفن کردم و گفتم پول پیش خانه را برگردان می‌خواهم از این خانه بروم اما او مهلت خواست تا پول را فراهم کند. وقتی دیدم دست از سر زندگی ما برنمی‌دارد، نقشه قتلش را کشیدم.»

متهم درباره روز حادثه گفت: «چند روز بعد با صاحبخانه تماس گرفتم و به دروغ گفتم ماشین همسرم بنزین تمام کرده اگر می‌توانی به بوستان نزدیک خانه برو و کمکش کن. وقتی او رسید و دید که من آنجا تنها ایستاده‌ام، خیلی جا خورد. به او گفتم چرا دست از سر زندگی ما برنمی‌داری که او عصبانی شد و ضربه‌ای به سینه‌ام زد و من هم اسلحه را بیرون آوردم و گلوله‌ای به سرش زدم و خودرواش را برداشتم و رفتم. قصدم سرقت نبود اما وقتی او را زدم، می‌خواستم زودتر محل را ترک کنم.»

قاضی پرسید: «اما همسرت ابتدا منکر موضوع مزاحمت مقتول شده بود و بعد حرفش را تغییر داد. حتی خود شما در ابتدا گفته بودی به خاطر مصرف مواد مخدر در حالت طبیعی نبودی اما بعد گفتی به خاطر آزار همسرم صاحبخانه را کشتم.»

متهم جواب داد: «چون برای حفظ آبرو تصمیم گرفته بود چیزی نگوید اما وقتی گفتم واقعیت را بگو، گفت.»

قاضی سؤال کرد: «اسلحه را از کجا آورده بودی؟»

متهم گفت: «صاحبخانه دو اسلحه داشت و یکی از آنها را چند ماه قبل از او گرفته بودم.»

پس از آن وکیل اولیای دم به قضات گفت: «متهم مدام تناقض‌گویی می‌کند؛ اگر متوجه مزاحمت او برای همسرش شده چرا مسالمت‌آمیز رفتار می‌کرده؟ از طرفی می‌گوید به صاحبخانه گفتم برو پیش همسرم کمکش کن. وقتی چندبار با صاحبخانه سر همسرش بحث کرده چطور می‌توان باور کرد که او برای کمک به همسرش از همان آدمی که می‌گوید مزاحم بوده کمک بگیرد.»

با پایان این اظهارات، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

خواستگار سمج قربانی برادران دختر شد

گروه حوادث/ سماجت‌های پسر عاشق‌پیشه برای رسیدن به دختر ۱۴ ساله، او را قربانی خشم برادران دختر کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه شنبه، پسر جوانی که عاشق دختر همسایه شده بود به مقابل خانه او رفت تا وی را از خانواده‌اش خواستگاری کند اما ناگهان ۴ برادر این دختر با چوب و چماق بر سرش ریختند و او را بشدت کتک زدند. خانواده پسر ۱۸ ساله وقتی متوجه غیبت طولانی پسرشان شدند، به دنبال او گشتند و متوجه شدند وی با حالی وخیم به بیمارستان منتقل شده است. یکی از اعضای خانواده او گفت: «پسرمان از مدتی قبل عاشق این دختر ۱۴ ساله شده بود و اصرار داشت با او ازدواج کند؛ هر چه گفتیم سن شما دو نفر کم است و الان وقت ازدواجتان نیست او قبول نمی‌کرد. بالاخره برای خواستگاری به خانه آن دختر رفتیم اما خانواده‌اش به‌شدت مخالفت کرده و مدعی شدند که سن دخترشان کم است و الان وقت ازدواج او نیست. تا اینکه امشب دوباره پسر جوان به تنهایی راهی خانه آنها شد و این بلا سرش آمد.» با توجه به وخامت حال پسر جوان، وی به بیمارستان دیگری منتقل شد اما چند ساعت بعد جان باخت. مرگ پسر جوان از سوی مأموران کلانتری قائم به بازپرس محسن اختیاری اعلام شد و بازپرس جنایی دستور تحقیقات در این خصوص را صادر کرد.

آتش گرفتن ویلا به خاطر بخار بنزین

گروه حوادث/ شستن ظرف با بنزین و سرایت بخار آن به شعله گاز خانه‌ای را در رشت به آتش کشید.

شهرام مؤمنی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری رشت گفت: «با اعلام خبر آتش گرفتن یک خانه ویلایی در بیستون رشت ۱۷ آتش‌نشان و افسر ارشد با ۵ خودروی آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شدند. آتش در کوتاه‌ترین زمان مهار شد و مردی حدود ۵۰ ساله که از ناحیه هر دو دست دچار سوختگی شده بود، پس از انتقال به محل امن، تحویل نیروهای اورژانس شد.» مؤمنی گفت: «بررسی‌ها نشان داد شست‌وشوی ظرفی با بنزین در آشپزخانه این خانه و رسیدن بخار این مایع قابل اشتعال به شعله گاز روشن، باعث وقوع انفجار خفیف همراه با آتش‌سوزی و مصدوم شدن صاحبخانه شد.»

وی با اشاره به اینکه بنزین بسیار سریع الاشتعال است به شهروندان توصیه کرد: «استفاده از بنزین در محیط‌های بسته مانند آشپزخانه، سرویس بهداشتی و... ممنوع است چرا که بخار بنزین به‌سرعت منتشر می‌شود و با کوچک‌ترین جرقه، خطر انفجار و آتش‌سوزی مهیب را به همراه دارد.»

حوادث جهان

فرانسه

اشتباه هولناک یک جراح

کشیدن دندان به جای عمل مچ پا

یک دختر ۱۷ ساله در فرانسه که قرار بود برای عمل مچ پا زیر تیغ جراحی برود پس از خروج از اتاق عمل متوجه شد که پزشکان چهار دندان عقل او را کشیده‌اند.

به گزارش یورونیوز، مادر این دختر نوجوان به یکی از رسانه‌های فرانسه گفت که دخترش پس از آنکه به هوش آمد متوجه شد که داخل دهانش پر از گاز استریل است.

این نوجوان که ساکن شهر اوترو در شمال فرانسه است، از مدت‌ها قبل برای جراحی پای خود در کلینیک سن مارتن بولونی وقت گرفته بود تا پیش از آغاز سال تحصیلی مشکل مچ پایش برطرف شود. اما وقتی در اتاق ریکاوری به هوش آمد، متوجه شد که هر چهار دندان عقلش را کشیده‌اند. مادر این دختر نوجوان گفته است که او پس از عمل به دلیل این اشتباه پزشکی در «وضعیت شوک» قرار دارد.

این زن گفت: «وقتی وارد اتاق ریکاوری شدم و دخترم را دیدم، شروع به گریه کردم. جراح دوباره آمد و بارها عذرخواهی کرد، اما به او گفتم دیگر نمی‌خواهم او را ببینم.» به گفته او، این اشتباه پزشکی آثار روحی شدیدی بر دخترش گذاشته است. این زن اظهار کرد: «دخترم از آن روز دچار اضطراب شده، شب‌ها نمی‌تواند بخوابد. احتمالاً زمان زیادی طول می‌کشد تا دوباره حاضر شود به بیمارستان برود. هنوز هم باورمان نمی‌شود چنین اتفاقی افتاده باشد؛ انگار فقط در فیلم‌ها چنین چیزهایی رخ می‌دهد.»

لوئیز و خانواده‌اش از کلینیک سن مارتن بولونی شکایت کرده‌اند. مادر لوئیز گفت: «پیامدهای این اشتباه می‌توانست بسیار وخیم‌تر باشد، چون میزان داروی بیهوشی بر اساس شرایط بیمار دیگری تنظیم شده بود که قرار بود تحت عمل قرار بگیرد. خطرهای بزرگی وجود داشت. چنین اشتباه‌هایی نباید هرگز رخ دهند.»

نماینده مدیریت کلینیک همان روز عمل با خانواده لوئیز دیدار کرد، اما آنها از امضای مدارکی که درباره حقوق بیمار و امکان دریافت غرامت به آنها ارائه شده بود، خودداری کردند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۷۸

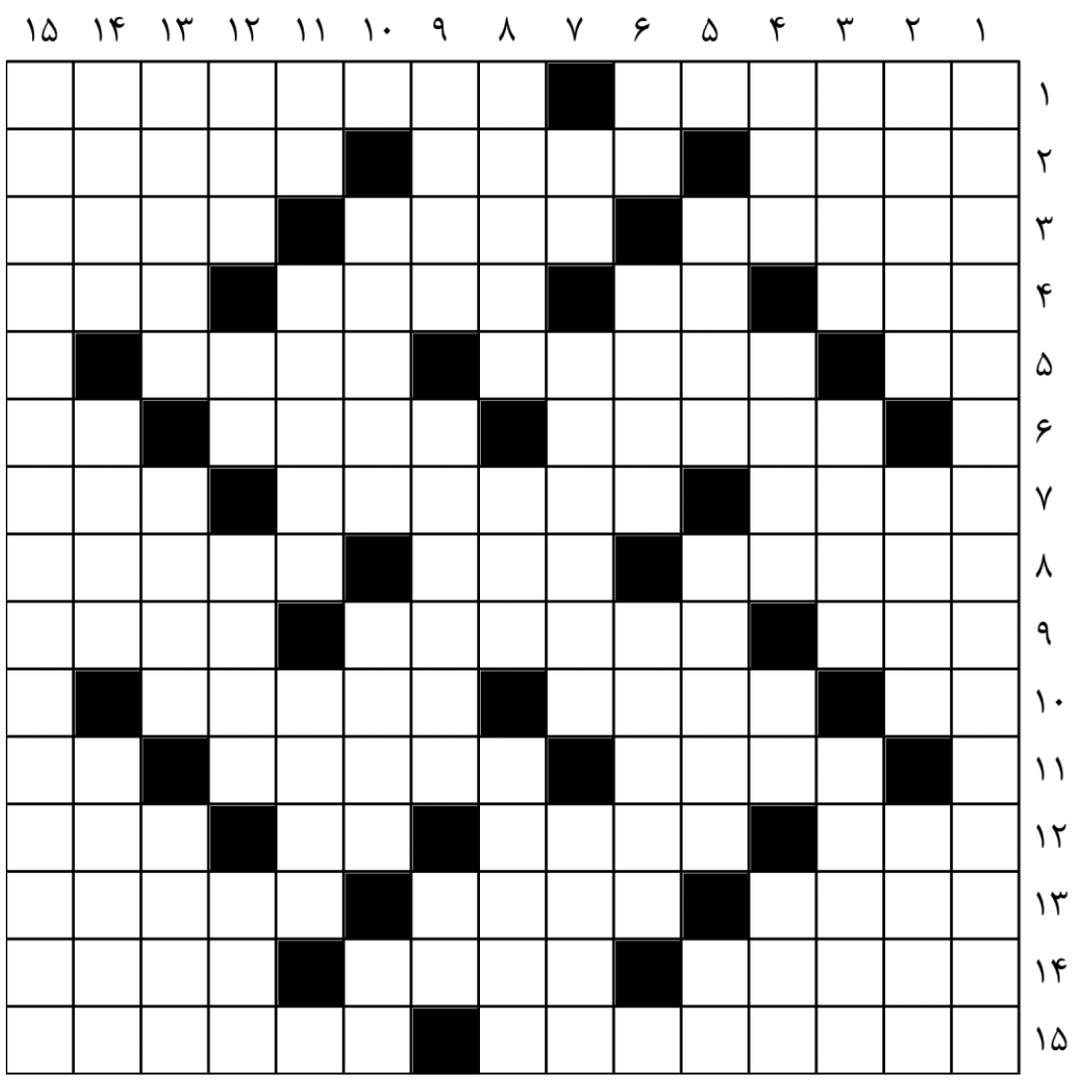

جدول عادی

افقی

۱ - حالت یا خاصیت - ثمر دهنده
۲ - کاغذفروش - گوناگونی - کمد کشودار
۳ - حامل - حاوی - جمع جراحت
۴ - پدر یعقوب صفاری - به همان شکل و ترتیب - مجموعه قواعد و مقرراتی که نظم اجتماعی را تأمین می‌کند - زشتی، رسوایی
۵ - شله - شهر «پاکستان» - حصه، قسمت
۶ - عرضه شده برای خرید - از ملزومات خوشنویسی - سرای مهر و کین
۷ - جنس برخی از ظروف - محکم و مستحکم - تلفظ حرف «ش»
۸ - حدنصاب ورزشی - جبن و رعب - دستبند زینتی زنانه
۹ - مسافر رگ‌ها! - فلکه‌های شهری - نام «گاگارین»
۱۰ - مخفف اگر - نشانه فقدان - مرکز کشور «مالت»
۱۱ - از لوازم آرایش چشم - جویبارها - عدد دایره
۱۲ - آینده - سفت و سخت - دریا - شهر سیستان و بلوچستان
۱۳ - سخنان راهپیمایی - رشته پهن - اثری تاریخی و دیدنی از دوره صفوی در اردبیل
۱۴ - پا به پا رفتن - گیاهی از رده دولپه‌ای‌های پیوسته گلبرگ - آزمند
۱۵ - احسان و عمل خداپسندانه - سردرد همراه با سینوزیت

عمودی

۱ - مشکل ایجاد کردن و مانع پیشرفت شدن
۲ - رغبت - صحنه‌آرایی - درازدستی کردن
۳ - ارث‌برنده - شگردها - سیارات بسیار کوچک
۴ - سوراخ کردن - وسیله حمل نوزاد - آغوش - محصول مشترک شرکت سایپا و کیاموتورز
۵ - رونده - هر لحظه چیزی خواهد - وسیله بالابر ماشین
۶ - هنوز در گویش بیگانه - شخصیت کارتونی - نام کوچک «کرایف»
۷ - سایه - معمای پرسشی - جایزه ادبی معتبر
۸ - جمع ناحیه - شکننده - سهولت
۹ - ژرف اندیشیدن - نوعی پماد موضعی - ردیف
۱۰ - دانه سحرآمیز - نهی کننده - نهفتن
۱۱ - پدر پدر - پس‌روی و عقب رفتن - قسمی چراغ
۱۲ - یار «مرج» در بی‌نظمی - راه شاعرانه - واحد سنجش حجم مایعات - آواز خوش و موزون
۱۳ - تلألو و پرتو - سمیع - ملک و شهریار
۱۴ - جهتی که پرز، مو یا پشم در آن به آسانی روی هم افتد - متفاوت با آن - مرکز «فرانسه»
۱۵ - خودزندگینامه

جدول ویژه

افقی

۱ - اسپکترومتر - یکی از مهم‌ترین فیلسوفان تاریخ فلسفه غرب
۲ - خواهان - پدر - موافق
۳ - رشک ورزیدن - جلسه مشورتی - مدرسه عالی
۴ - قوم وحشی آتیلا - پروتکل برنامه‌های کاربردی بی‌سیم - شکارچی‌ای با سرعت فوق‌العاده - پول «کره جنوبی»
۵ - دندانه سوهان - انجام کاری برخلاف میل - پنجگانه انسان
۶ - بسامد - پدر خلیل‌الله - کجاست؟
۷ - کنایه از آدم کاهل در کار - پرستشگاه زرتشتیان - درختی سبز
۸ - اتحاد و صمیمیت - عامل زایش گیاه - سبکی موسیقایی
۹ - یاری - گلی زیبا - رنگ مایع قابل شست‌وشو در نقاشی
۱۰ - دشمن زائو! - مرسوم - گیاهی علفی
۱۱ - تکیه‌گاه - انبار چای جهان - شانه نساجی
۱۲ - سرشوی گیاهی - بخاری برقی - جبه - مخترع ماشین بخار
۱۳ - از نوشت‌افزارها - ملیت «گاندی» - شهر «بلغارستان»
۱۴ - بهره هوشی - صدای نرم خندیدن - شهر باستانی آسیای صغیر
۱۵ - محله‌ای در تهران - جوهر قهوه

عمودی

۱ - اثری از «لوئیز امی الکوت»
۲ - شهر «آبشارهای خروشان» - مخلص - از پهنه‌های آبی
۳ - آه و ناله - رفت و آمد - کانون‌ها
۴ - ظرف جمع‌آوری میوه - مفت‌خور - خاک سرخ - چیز
۵ - پرنده‌ای کوچک و خواننده - واحد - تعجب بانو
۶ - هواکره - بیم - سرزمینی باستانی در آسیای صغیر
۷ - غذای مریض - شادمانی و مسرت - بی‌همنشین
۸ - درختچه‌ای از تیره گل‌سُرخیان - چای عربی - از علائم میگر ن
۹ - سبز مایل به خاکستری - یکی از شگردهای ادبیات داستانی - همان «یک»
۱۰ - یگانگی - بچه‌ترسان معروف - صریح‌اللهجه
۱۱ - عنصر نمک - از وسایل تکنولوژی - نردبان
۱۲ - ملح - صوت رنج - واحد نظامی - حسرت
۱۳ - اندیشه‌های بد - خورشیدگرفتگی - پس و پشت
۱۴ - جانور مکنده - برادر- گلزن سابق «آرسنال»
۱۵ - کنایه از آرام و قرار گرفتن

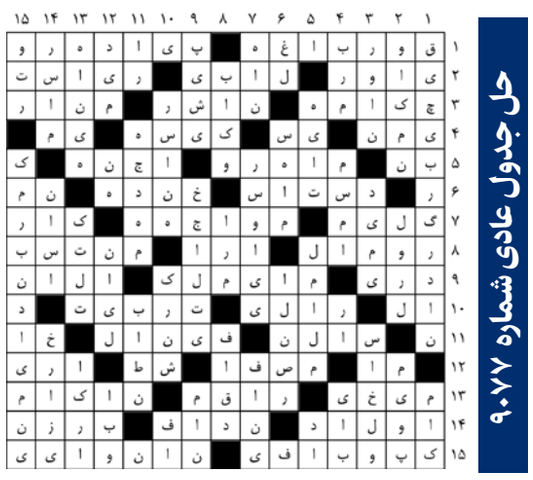

حل جدول عادی شماره ۹۰۷۷

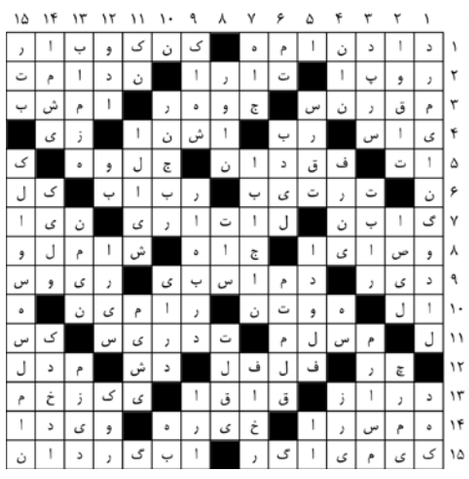

حل جدول ویژه شماره ۹۰۷۷